

همزیستی مسالمت‌آمیز در پرتو آموزه‌های قرآن کریم

عارفه رضایی^۱ | زکریا فصیحی^۲

چکیده

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، از نیازهای اساسی انسان است. این نیاز در دنیای معاصر و برای انسان معاصر بسیار تشدید شده است. سلطه‌طلبان جهان‌خوار از یک‌سو و جهل و تعصب گروه‌های افراطی از طرف دیگر، زندگی مسالمت‌آمیز بسیاری از مردم جهان، مخصوصاً مسلمانان و جهان‌سومی‌ها را به مخاطره کشانده‌اند و متأسفانه مسلمانان حتی در میان خودشان یکی از قربانیان اصلی این سیاست هستند. در این میان، قرآن کریم منبعی بی‌بدیل برای ترویج صلح و تعامل نیک میان انسان‌ها است؛ زیرا آموزه‌های آن، بر پایه عدالت، مساوات، احترام متقابل و تعامل نیکو بنا شده است. هدف این تحقیق بررسی و تحلیل آموزه‌های قرآن برای همزیستی مسالمت‌آمیز است که داده‌های آن به‌صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس با روش تحلیلی توصیفی تدوین شده است. یافته‌های تحقیق، پس از بررسی و تحلیل نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن کریم، برای کاهش تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی و نزاع‌های سیاسی، ظرفیت بسیاری عظیم و کارایی فوق‌العاده دارد. بنابراین بر پیروان قرآن است که با مطالعه و پژوهش و عرضه یافته‌های پژوهشی خود، نشان دهند که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تعالیم قرآن، صلح و همگرایی را در زندگی خود پیاده کرد و برای دیگران گسترش داد و چگونه الگویی پایدار برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن‌محوری، آموزه‌های قرآن، همزیستی مسالمت‌آمیز، روحیه تعامل، گفتگوی صلح‌آمیز

۱. محصل مدرسه علمیه امام‌المتقین علیه‌السلام، هرات، افغانستان

ایمیل: rezaiearefa@gmail.com

۲. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: zfs110110@gmail.com

مقدمه

انسان به مقتضای نوع آفرینش و نیازمندی‌های روحی و جسمی خود، به زندگی همراه با صلح و صمیمیت نیاز دارد؛ زیرا صلح، پایه‌ای اساسی برای پیشرفت تکنولوژی، رفاه اجتماعی و معیشتی و سعادت بشر است. در جهانی که تنوع فرهنگی، دینی و قومیتی ویژگی برجسته آن است، همزیستی مسالمت‌آمیز ضرورتی انکارناپذیر برای رفع تنش‌ها و کاهش خشونت‌ها به شمار می‌رود. باین حال در عصر کنونی، بسیاری از استعمارگران ابرقدرت و گروه‌های افراطی، همزیستی مسالمت‌آمیز را برای مردم بسیاری از سرزمین‌ها به مخاطره کشانده‌اند. متأسفانه مسلمانان در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، بیشترین رنج و خسارات را از این وضعیت متحمل شده‌اند و قربانیان این اوضاع هستند، درحالی‌که آموزه‌های اسلامی به‌طور جدی بر همزیستی، صلح و تعامل مثبت میان انسان‌ها تأکید دارند.

قرآن کریم منبعی بی‌بدیل برای ترویج صلح و محبت میان انسان‌ها است؛ زیرا آموزه‌های حیات‌بخش این کتاب آسمانی بر پایه عدالت، احترام متقابل و تعامل نیکو در میان انسان‌ها بنا شده است. لذا با دعوت انسان‌ها به احترام به کرامت انسانی و پذیرش تفاوت‌ها، بستری برای همزیستی مسالمت‌آمیز بر پایه مشترکات ذاتی، عقیدتی و فرهنگی فراهم می‌کند. محورهای مشترک فراوانی که قرآن برای همگرایی و همزیستی ارائه می‌کند، می‌تواند راهگشای برقراری روابط مسالمت‌آمیز میان خود مسلمانان و دیگر ملت‌ها باشد. درحالی‌که اختلافات مذهبی و فرهنگی در بسیاری از جوامع عامل نزاع و تفرقه شده است، ولی قرآن کریم تأکید می‌کند که اختلافات ظاهری و تنوع در خلقت انسان‌ها نه به‌منظور ایجاد دشمنی، بلکه برای ایجاد فرصت‌های و زندگی بهتر و شناخت یکدیگر و درک متقابل انسان‌ها است. (حجرات: ۱۳)

اگر قرآن به‌عنوان محور گرد هم‌آیی مسلمانان جدی گرفته شود، امت اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از آموزه‌های آن، الگویی عملی از همزیستی مسالمت‌آمیز برای همه ملت‌ها ارائه دهد. دستورات قرآنی درباره پرهیز از خشونت، احترام به حقوق دیگران و ایجاد فضای گفت‌وگوی سازنده، راهنمای بسیار ارزشمند است.

این تحقیق به بررسی دستورات قرآن برای همزیستی مسالمت‌آمیز، جایگاه و اهمیت این مفهوم و همچنین تقویت روحیه تعامل و مدارا می‌پردازد. روش این پژوهش توصیفی



و تحلیلی است و تلاش شده تا با بهره‌گیری از آیات قرآنی و تفسیر آن‌ها، تصویری روشن از دیدگاه قرآن درباره نوع همزیستی ارائه شود. هدف این مقاله، برجسته‌سازی اهمیت همزیستی مسالمت‌آمیز از نگاه قرآن کریم و نشان دادن ظرفیت عظیم آموزه‌های قرآنی در کاهش تنش‌ها و نزاع‌های اجتماعی است تا نشان دهد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تعالیم قرآنی، الگویی پایدار برای همزیستی صلح‌آمیز میان ملت‌ها ارائه داد. از این منظر، قرآن کریم نه تنها راهنمایی برای زندگی فردی، بلکه منشوری جهانی برای تعامل و همزیستی انسانی است. بدون شک، فهم و عمل به آموزه‌های قرآنی درباره صلح و محبت، راهی مطمئن برای کاهش اختلافات و ارتقای همبستگی میان جوامع بشری است. مسلمانان با تمسک به این آموزه‌ها می‌توانند نقشی فعال در ترویج صلح و همبستگی جهانی ایفا کنند. این مقاله می‌کوشد تا یادآور شود که قرآن کریم به‌عنوان محور مشترک مسلمانان، ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز دارد که می‌تواند الگویی عملی برای تمامی ملت‌ها و فرهنگ‌ها باشد.

۱. مفاهیم

۱-۱. در پرتو آموزه‌های قرآن (قرآن محوری)

قرآن کتاب هدایت، (بقره: ۲) عامل شفا و رحمت برای مؤمنان، (اسراء: ۸۲) بشارت و انداز، (احقاف: ۱۲) کتاب دعوت به دوستی بانیکان، (بقره: ۱۹۵) کتاب سفارش به نیکی‌ها (بقره: ۸۳) کتاب تعقل و تفکر، (یوسف: ۲) کتاب دعوت به عمل، (صف: ۲) کتاب دعوت به مطالعه در طبیعت و شناخت آن (غاشیه: ۱۷-۲۰) و کتاب سیاست و حکومت درست (نساء: ۱۰۵) است. با این حساب تمام زوایای زندگی انسان را پوشش می‌دهد. پس لازم است که همه مسلمانان بر اساس آموزه‌های این کتاب آسمانی زندگی نمایند. قرآن محوری به معنای قرار دادن قرآن به‌عنوان محور، مرجع و اساس تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. این رویکرد، بر پایه اعتقاد به جامعیت و جاودانگی قرآن به‌عنوان کتاب هدایت الهی شکل می‌گیرد و تلاش می‌کند تا آموزه‌های قرآن را در تمام زمینه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی، وجهه نظر داشته باشد؛ اما این مفهوم



بار معنایی خاص خود را دارد و دارای مبادی و مراحل خاصی است. قرآن‌محوری ابتدا از شناخت قرآن و ایمان به آن آغاز می‌شود. این شناخت، شامل درک مفاهیم و پیام‌های قرآن، تفسیر صحیح آیات، و فهم قواعد و اصولی است که قرآن برای زندگی بشری ارائه می‌دهد. ایمان به قرآن نیز به معنای باور به اینکه این کتاب، کلام خداوند و هادی انسان به سوی کمال است.

یکی از ابعاد مهم قرآن‌محوری، پیوند دادن آموزه‌های قرآنی با رفتارهای روزمره زندگی است. در این رویکرد، انسان تلاش می‌کند زندگی خود را بر اساس ارزش‌های قرآنی مانند صداقت، عدالت، احسان، و تقوا سامان دهد و عمل به این تعالیم را سرلوحه زندگی خود سازد. یکی دیگر از ابعاد قرآن‌محوری، به معنای بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن برای حل مسائل و چالش‌های عصر حاضر است. با توجه به اینکه قرآن کتابی فرازمانی و فرامکانی است، می‌توان از آن برای پاسخ به نیازها و پرسش‌های جدید بشر استفاده کرد. البته این امر نیازمند تلاش مستمر در فهم دقیق و عمیق آیات و انطباق آن‌ها با شرایط معاصر است که توسط مجتهدین جامع‌الشرایط استنباط می‌شود و در اختیار عموم قرار می‌گیرد تا همه به‌عنوان مقلدین مراجع تقلید، از احکام و راهکاری استنباطی قرآنی استفاده کنند.

در بُعد اجتماعی، قرآن‌محوری به معنای ترویج فرهنگ و ارزش‌های قرآنی در جامعه است. این امر می‌تواند از طریق آموزش قرآن در مدارس، برگزاری جلسات تفسیر و تدبر، و تبلیغ اخلاق قرآنی محقق شود. در این حالت، جامعه به‌سوی عدالت، محبت، و انسجام پیش می‌رود. قرآن‌محوری نه‌تنها فرد را به رشد معنوی و اخلاقی می‌رساند، بلکه جامعه را نیز به سمت تعالی و پیشرفت هدایت می‌کند. لذا می‌توان گفت که قرآن‌محوری، راهی برای ایجاد تعادل بین نیازهای دنیوی و اخروی انسان و جامعه است و به‌عنوان چراغی روشن برای هدایت در تمامی ابعاد زندگی عمل می‌کند. لذا برخی از بزرگان بر این باورند که «قرآن مطالب و معانی گسترده‌ای آورد؛ به‌طوری که بعدها منبع الهام شد، هم برای فلاسفه و هم برای علمای حقوق و فقه و اخلاق و تاریخ و غیرهم». (مطهری، ۱۳۷۲، ۲: ۲۲۲) مخصوصاً علم فقه که «مسلمین از صدر اسلام برای استنباط احکام اسلامی در درجه اول به قرآن رجوع کرده و رجوع می‌کنند». (مطهری، ۱۳۸۰، ۲۰: ۳۰)



۱-۲. همزیستی مسالمت‌آمیز

«همزیستی به فعالیت‌های حیاتی، مراوده و اشتراک دو گیاه در زندگی گفته می‌شود، ولی همزیستی مسالمت‌آمیز، یعنی ادامه فعالیت‌ها و رابطه‌ی دو یا چند دولت که از لحاظ نوع و رژیم حکومت با یکدیگر فرق دارند، به وجهی توأم با صلح و سلم». (معین، ۱۳۸۶، ۲: ۲۱۱۳) برخی گفته‌اند «همزیستی به معنای با هم زیستن و یاری‌رساندن به دیگران برای زندگی بهینه»، (موحدی ساروجی، ۱۳۹۳: ۱۳۱) «برآمده از یک حالت ذهنی است که سبب به رسمیت شناختن دیگران با وجود تفاوت‌ها می‌شود». (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۲)

پس همزیستی مسالمت‌آمیز به معنای زندگی در کنار دیگران با پذیرش تفاوت‌ها و احترام به حقوق و آزادی‌های آنان است. این مفهوم به‌ویژه در جوامع متنوع فرهنگی، مذهبی و قومی اهمیت بسیاری دارد و پایه‌ای برای صلح، امنیت و توسعه پایدار به شمار می‌آید. همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس اصولی همچون مدارا، احترام متقابل، گفتگو و همکاری استوار است و «از مهم‌ترین نیازهای ذاتی و مدنی انسان، به‌رغم اختلافات زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، برقراری ارتباط با دیگر انسان‌ها قرار کردن است»؛ (تیموری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲) زیرا بسیاری از نیازهای مهم زندگی انسان در پرتو همین ارتباطات و زندگی جمعی تأمین می‌شود؛ نیازهای مثل تقویت و ترویج روحیه اتحاد و همدلی، تقویت روحیه جمعی و هم‌فکری، (معاش، ۱۴۰۳/۱۰/۲۹) برای حل بسیار از معضلات اجتماعی و...، افزایش همبستگی در جامعه و پرهیز از اختلاف و تفرقه، ارتباط سالم با دیگر ملل، افزایش آرامش و رفاه اجتماعی، (جعفری و پاینده، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۵۲) درونی‌سازی ارزش‌ها و مهارت‌هایی که سبب تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز می‌شود. (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲) از ارکان اصلی همزیستی مسالمت‌آمیز، پذیرش تفاوت‌ها و تنوع‌ها است. جامعه از افرادی با باورها، فرهنگ‌ها و نگرش‌های گوناگون تشکیل شده است. این تنوع نه تنها تهدید نیست، بلکه می‌تواند فرصتی برای رشد و غنی‌سازی تجربیات انسانی باشد. پذیرش این تنوع به معنای درک این نکته است که همه افراد، صرف‌نظر از اختلافات، دارای ارزش و کرامت انسانی هستند. همکاری در راستای منافع مشترک نیز زمینه‌ساز همزیستی

مسالمت‌آمیز است. افراد و گروه‌ها می‌توانند با همکاری در حوزه‌هایی مانند آموزش، محیط‌زیست یا بهبود شرایط اقتصادی، پیوندهای محکم‌تری ایجاد کنند و شکاف‌ها را کاهش دهند.

۲. اهمیت قرآن محوری در زندگی مسلمانان

قرآن کریم به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی، راهنمایی جامع و کامل برای زندگی مسلمانان است. قرآن محوری در زندگی نه‌تنها موجب هدایت فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه اصول اخلاقی، رفتاری و فکری را به مسلمانان آموزش می‌دهد که باعث ایجاد جامعه‌ای سالم، منظم و همبسته می‌شود. پیروی از قرآن در تمامی ابعاد زندگی، از جمله در روابط فردی، اجتماعی و سیاسی، مسلمانان را به‌سوی صلح، عدالت و تقوا هدایت می‌کند. قرآن با تأکید بر ارزش‌هایی همچون احترام به دیگران، همکاری در کارهای خیر و برقراری عدالت، راهی روشن برای رسیدن به سعادت فردی و جمعی فراهم می‌آورد. اینک به برخی از شواهد اهمیت قرآن اشاره می‌کنیم:

۲-۱. دستور خداوند به قرآن محوری

قرآن محوری به‌عنوان یک دستور الهی در آیات متعدد قرآن مورد تأکید است. خداوند از انسان‌ها می‌خواهد که قرآن را به‌عنوان راهنمای زندگی، مرجع هدایت و اساس تفکر و عمل خویش قرار دهند. این دستور الهی در قالب‌های مختلفی از جمله دعوت به تدبیر، اطاعت و عمل به آیات قرآن بیان شده است. یکی از آیات کلیدی که به ضرورت قرآن محوری اشاره می‌کند، این آیه است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ به‌راستی این قرآن به راهی هدایت می‌کند که استوارترین و بهترین است». (اسراء: ۹) در این آیه، قرآن به‌عنوان منبع هدایت کامل و استوارترین راه هدایت معرفی شده است.

یکی از اوصاف برجسته قرآن کریم، نور بودن آن است. چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا؛ و ما به سوی شما، نوری آشکار (قرآن) فرستادیم». (نساء: ۱۷۴) کیست که خاصیت نور و کارایی آن را در زندگی خود نداند. اگر همین نور بودن قرآن کریم آشکار شود، بر هر عاقلی است که زندگی خود را بر مدار این نور، عیار سازد تا در فروغ آن، از گم شدن و گم کردن راه و انحرافات و خرافات در امان بماند. بنابراین قرآن محوری به



معنای پیروی از این نور الهی و ساختن زندگی بر اساس اصول قرآنی است.

در کنار این آیات، خداوند انسان‌ها را به تدبیر و تفکر در آیات قرآن دعوت می‌کند، ضمن آنکه راه هدایت و ضلالت را به انسان‌ها نمایانده است. چنان‌که فرمود: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس»؛ (انسان: ۳) اما انتخاب آن را در اختیار خود انسان گذاشته است. البته از سر مهربانی یا اتمام حجت، ابزار فهم و انتخاب را نیز در اختیار انسان گذاشته و آن ابزار، عقل و نیروی اندیشیدن است. از این رو در برخی از آیات، انسان را به تفکر و تدبیر دعوت کرده تا خود او با نیروی اندیشیدن، به حقیقت پی ببرد. می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَاتُ أَنْبِيَائِهِمْ الَّيْسَ لَهُمْ بَصِيرَةٌ؟» (محمد: ۲۴) این دعوت به تدبیر در قرآن نشان می‌دهد که قرآن منبع بسیاری از متعلقات تدبیر و ادراک است و نشانه‌های هدایت در آن یافت می‌شود. بنابراین قرآن محوری تنها به قرائت و حفظ محدود نمی‌شود، بلکه فهم عمیق و به‌کارگیری دستورات آن در زندگی اهمیت دارد تا راه‌های سعادت و کمال دنیوی و اخروی برای انسان هموار گردد.

یکی از دستورات اکید قرآن به مسلمانان، تمسک به حبل الله است. چنان‌که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید». (آل عمران: ۱۰۳) امام جعفر صادق^(ع) فرمود: «نحن حبل الله الذي قال الله تعالى: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (حسکانی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۶۹) همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «نحن حبل الله الذي قال وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا و ولاية على البرِّ فمن استمسك به كان مؤمنا ومن تركه [تركها] خرج من الإيمان؛ ما حبل الله (ریسمان خداوند) هستیم که خداوند فرموده است: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا و ولاية على^(ع) همان نیکی است. پس هر کس به آن تمسک کند، مؤمن است و هر کس آن را ترک کند، از دایره ایمان خارج شده است». (فرائد الکوفی، ۱۴۱۰: ۹۲)

امیرالمؤمنین علی^(ع) درباره حبل الله بودن قرآن، می‌فرماید: «فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ، وَنُورُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ، وَالرَّيُّ النَّافِعُ...؛ به‌راستی قرآن، ریسمان محکم الهی، نور آشکار، درمانی سودمند و سیراب‌کننده‌ای کافی است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) این عبارت در



نمی‌شوند، بر ضرورت ارتباط مستمر و عمیق مسلمانان با قرآن تأکید می‌کند. این ارتباط تنها محدود به قرائت ظاهری نیست، بلکه تدبیر در آیات، عمل به دستورات و بهره‌گیری از معارف قرآنی در زندگی، مد نظر است.

ج. اهل بیت به‌عنوان مفسران واقعی قرآن: در حدیث ثقلین، اهل بیت به‌عنوان همراهان جدایی‌ناپذیر قرآن معرفی شده‌اند. این نشان می‌دهد که فهم صحیح قرآن و عمل به آن، بدون مراجعه به اهل بیت امکان‌پذیر نیست. اهل بیت به دلیل آگاهی کامل از معارف قرآنی و زندگی پیامبر اکرم^(ص)، مفسران حقیقی قرآن هستند و دسترسی به هدایت کامل از طریق قرآن، مستلزم بهره‌گیری لازم از تعالیم اهل بیت است.

د. قرآن محوری در اخلاق و رفتار: یکی از مهم‌ترین ابعاد قرآن محوری، تأثیر قرآن بر اخلاق و رفتار انسان است. قرآن انسان را به تقوا، عدالت و احسان دعوت می‌کند. تمسک به قرآن به معنای تطبیق سبک زندگی با معیارهای اخلاقی مطرح‌شده در این کتاب است. پیامبر اکرم^(ص) در این حدیث، به ما می‌آموزد که مسلمان واقعی کسی است که به آموزه‌های قرآن در تمام ابعاد زندگی عمل کند.

ه. نقش قرآن در وحدت امت اسلامی: حدیث ثقلین با معرفی قرآن و اهل بیت به‌عنوان دو میراث ماندگار، بر ضرورت اتحاد امت اسلامی حول این دو محور تأکید می‌کند. قرآن به‌عنوان کلام الهی، محور مشترک همه مسلمانان است و می‌تواند نقش کلیدی در ایجاد وحدت و همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا کند. پیامبر اکرم^(ص) با دستور به تمسک به قرآن، مسلمانان را به دوری از تفرقه و پابندی به اصول مشترک دعوت می‌کند تا قدرتی باشند در برابر تجاوزهای فرهنگی، نظامی و سرزمینی بیگانگان.

بنابراین حدیث ثقلین پیام روشنی برای مسلمانان دارد و آن، اینکه قرآن باید محور اصلی زندگی فردی و اجتماعی باشد. این محوریت از طریق تدبیر و عمل به آموزه‌های آن محقق می‌شود. در کنار این، مراجعه به تعالیم اهل بیت^(ع) به‌عنوان مفسران واقعی قرآن، راه رسیدن به فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تر از این کتاب آسمانی است. زندگی قرآن‌محور همان چیزی است که پیامبر^(ص) در این حدیث به‌عنوان راه نجات و سعادت معرفی کرده‌اند و پابندی به این دستور، رمز سعادت در دنیا و آخرت خواهد بود.

۲-۳. قرآن بهترین محور برای همزیستی مسالمت‌آمیز

از آیات قرآن و روایات نقل شده به خوبی درمی‌یابیم که بهترین محور برای وحدت و هدایت مسلمانان قرآن کریم است. این کتاب آسمانی، همواره به عنوان معیاری بی‌عیب و نقص برای تشخیص حق از باطل و راهنمایی انسان‌ها مطرح بوده است. همه مسلمانان، به عصمت قرآن ایمان دارند و همین باور مشترک، می‌تواند بنیانی محکم برای همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز امت اسلامی باشد. تمسک به قرآن نه تنها موجب هدایت فردی است، بلکه در سطح اجتماعی نیز سبب تقویت اتحاد و همبستگی امت اسلامی می‌شود. چه اینکه در دنیای امروز، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مسلمانان، تفرقه و اختلافات مذهبی و قومی است که مانع شکوفایی ظرفیت‌های عظیم جهان اسلام شده است. در حالی که قرآن کریم، به عنوان یک محور مشترک، می‌تواند تمام مسلمانان را حول ارزش‌های الهی و انسانی گرد هم آورد. اگر مسلمانان جهان به آموزه‌های قرآن تمسک کنند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند، قدرت و عظمت اسلام بار دیگر هویدا خواهد شد.

برای درک اهمیت محوریت قرآن می‌توان به مثال نظام کیهانی اشاره کرد. در فضای آسمان، خورشید به عنوان مرکز و محور منظومه شمسی است و سیاراتی چون زمین، مریخ، زهره و زحل همگی به دور آن در حال گردش هستند. اگر خورشید وجود نداشت یا محور منظومه شمسی نبود، این سیارات و نظام کیهانی فرومی‌پاشید. این مثال نشان می‌دهد که وجود یک محور مشترک برای ایجاد نظم و هماهنگی ضروری است و قرآن کریم می‌تواند چنین محوریتی برای مسلمانان جهان داشته باشد. (ر.ک. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۸۰: ۱) برای آن که قرآن به عنوان محور اصلی در زندگی مسلمانان نقش‌آفرینی کند، ضروری است که هر فرد و جامعه‌ای، تعالیم آن را به خوبی درک کرده و در عمل پیاده سازد. این امر مستلزم ترویج فرهنگ انس با قرآن، تقویت آموزش مفاهیم قرآنی و تشویق به تدبیر و تفکر در آیات آن است. بنابراین بهترین مسیر برای تحقق این هدف، بازگشت به قرآن، تدبیر در آیات آن و عمل به دستورات آن است. همان‌طور که خورشید محور منظومه شمسی است و نور و گرمای خود را به همه سیارات می‌بخشد، قرآن نیز می‌تواند نوری باشد که مسیر زندگی مسلمانان را روشن و آنان را به سوی سعادت و کمال رهنمون سازد.



۳. همزیستی مسالمت‌آمیز در قرآن

اسلام با توجه به اصل کرامت انسانی و ضرورت ارتباطات بشری، پیروان خود را به زندگی توأم با صلح و آرامش توصیه کرده و از تفرقه، دشمنی و خشونت پرهیز داده است. آیات فراوانی بر خوش‌رفتاری، مدارا، صلح و همزیستی تأکید دارد. واژه‌هایی مانند صلح، اصلاح، تألیف قلوب و سلم، بارها در قرآن کریم تکرار شده و این نشان‌دهنده اهمیت فراوان این مفاهیم در آموزه‌های اسلامی است. اینک به بعضی از آیات قرآن کریم که در مورد زندگی مسالمت‌آمیز با اطرافیان است، به صورت مختصر اشاره می‌گردد:

۳-۱. دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز با توجه به اصول مشترک

توحید باوری یکی از اصول اساسی مشترک میان تمامی ادیان آسمانی است. قرآن کریم این محور اتحاد را در نظر گرفته و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد». (آل عمران: ۶۴)

در حقیقت «قرآن با این طرز استدلال به ما می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس با شما همکاری کنند، بکوشید لااقل در اهداف مهم مشترک همکاری آن‌ها را جلب کنید و آن را پایه‌ای برای پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید. آیه فوق یک ندای وحدت در برابر تمام آیین‌های آسمانی است و به همه آن‌ها اعلام می‌کند که ما و شما در اصل توحید، مشترکیم. بیایید دست به دست هم داده و این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه‌ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابجا که نتیجه آن شرک و دوری از توحید خالص است، خودداری نماییم». (مکارم شیراز و همکاران، ۱۳۷۴، ۲: ۵۹۴-۵۹۳)

از دیدگاه قرآن، پیروان تمام ادیان آسمانی می‌توانند بر اساس محور توحید به‌عنوان اصول مشترک خود، گرد هم آیند و با همزیستی مسالمت‌آمیز و تفاهم در کنار یکدیگر زندگی کنند. قرآن تأکید می‌کند که اختلافات میان پیروان ادیان مختلف، نباید مانع از همزیستی آنان شود، بلکه باید در موارد مشترک با یکدیگر همکاری داشته باشند. این امر به‌ویژه در



مورد مسلمانان که دارای اصول مشترک بسیاری هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا مسلمانان بر اساس توحید، معاد، پیامبر واحد، کتاب واحد (قرآن)، قبله واحد (کعبه) و بسیاری از آداب و احکام عبادی و معنوی مشترک، می‌توانند یک زندگی سرشار از صلح و سلم داشته باشند. این وحدت در اصول اعتقادی باعث می‌شود که مسلمانان به راحتی بتوانند بر پایه تفاهم و همدلی، با یکدیگر زندگی کنند و از ایجاد اختلافات و تنش‌ها در بین خود پرهیزند. قرآن کریم مسلمانان را به برادری و همکاری دعوت کرده و بر این نکته تأکید دارد که این وحدت می‌تواند سبب تقویت جامعه اسلامی و گسترش پیام صلح به سراسر جهان شود.

۳-۲. گفتگوی مسالمت‌آمیز

زبان یک ابزار ارتباطی است، می‌تواند کلید در هر خیر و شری به روی انسان‌ها و جوامع باشد. با توجه به همین نقش و اهمیت زبان است که در اسلام، توجه ویژه‌ای به آداب گفت‌وگو و سخن گفتن شده است. قرآن کریم برای شیوه بیان دستوراتی دقیق و کاربردی ارائه داده تا انسان‌ها بتوانند با استفاده از این موهبت ارزشمند الهی، در جهت آرامش و آسایش و صلح و سازش، تعاملات بسیار کارآمد و ارزشمند اجتماعی داشته باشند. از جمله دستوراتی که قرآن در زمینه تکلم و سخن گفتن ارائه کرده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. مستدل و محکم بودن: قرآن می‌گوید سخن باید مستدل، محکم و بر اساس دلیل و استدلال باشد. این نوع سخن، نه تنها مفید و مؤثر است، بلکه سبب روشن شدن حقیقت و رفع ابهامات می‌شود. لذا می‌فرماید: «... وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ... و باید سخن استوار و محکم بگویند». (نساء: ۹)

ب. پسندیده و به اندازه بودن: سخن باید به گونه‌ای باشد که با فرهنگ و معیارهای انسانی سازگار و مطلوب باشد و از افراط و تفریط اجتناب شود و مبادا باعث دل‌شکستگی و اختلاف شود. این مدل سخن را قرآن کریم، «قَوْلًا مَعْرُوفًا» (بقره: ۲۳۵) می‌نامد.

ج. نرم و مهربانانه بودن: قرآن به نرمی و مهربانی در سخن گفتن تأکید می‌کند تا ارتباطات میان انسان‌ها مبتنی بر محبت و احترام متقابل باشد. می‌فرماید: «فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ با [فرعون] به نرمی با او سخن بگویند؛ شاید متذکر شود یا (از



خدا) بترسد». (طه: ۴۴)

د. شیوا و رسا بودن: گاهی برخی از اختلافات خانوادگی یا اجتماعی، از سوء برداشت یا سوء تفاهم ایجاد می‌شود. این نوع برداشت می‌تواند از نوع سخن گفتن گوینده ناشی شود. لذا قرآن سفارش می‌کند که سخن باید شیوا، رسا و واضح باشد که به راحتی درک شود و تأثیر لازم را بر مخاطب بگذارد. «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا». (نساء: ۶۳)

کریمانه و بزرگووارانه بودن «قَوْلًا كَرِيمًا»، (اسرا: ۳۳) زیبا و نیکو بودن «يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، (اسرا: ۵۳) از دیگر سفارش‌های قرآن کریم است که برای ایجاد و تحکیم ارتباطات انسانی و زندگی مسالمت‌آمیز، مؤثر است. قرآن با تأکید بر این اصول آداب گفتگو، می‌خواهد به پیروانش بیاموزد که با سخنان مسالمت‌آمیز، محبت‌آمیز و معقول، می‌توانند جامعه‌ای رو به تعالی و پیشرفت داشته باشند. در چنین جامعه‌ای، تفاوت‌ها و مشکلات به جای ایجاد تنش و خصومت، موجب رشد و توسعه روابط انسانی و باعث تقویت وحدت و همبستگی در میان افراد می‌شود.

۴. جایگاه صلح در آموزه‌های قرآنی

صلح و آشتی به عنوان یک اصل بنیادی و یک هدف معنوی و اجتماعی بسیار مورد تأکید قرآن کریم. خداوند متعال در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به حفظ روابط مسالمت‌آمیز، دوری از خصومت و بهره‌گیری از رفتارهای نیکو و مدارا دعوت می‌کند. مفهوم صلح در قرآن، نه تنها به عنوان اجتناب از جنگ و خشونت، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آرامش درونی، همبستگی اجتماعی و رفاه جامعه بشری مطرح شده است. صلح در آموزه‌های قرآنی نه تنها به عنوان یک هدف بلندمدت برای جوامع بشری مطرح است، بلکه به عنوان یک اصل اخلاقی در روابط فردی نیز مورد تأکید قرار دارد. قرآن کریم، مسلمانان را به رفتار با مهربانی، عفو و گذشت تشویق می‌کند و آن‌ها را از بدخواهی و دشمنی بر حذر می‌دارد. اینک برخی از موارد و مصادیق صلح را در قرآن کریم، بررسی می‌کنیم:

۴-۱. استقبال از پیشنهاد صلح

در قرآن کریم، استقبال از پیشنهاد صلح به عنوان یک اصل اساسی در روابط مسلمانان با دشمنان مطرح شده است. وقتی یکی از قبایل عرب، به نام اشجع به بستن قرارداد ترک

مخاصمه با پیامبر اکرم^(ص) تصمیم گرفت، آیه ۹۰ سوره نساء نازل شد^۱ و به مسلمانان دستور داده شد که اگر دشمنان با شما پیکار نکردند و پیشنهاد صلح دادند، شما حق ندارید به آن‌ها تعرض کنید. خداوند در این آیه به مسلمانان می‌فرماید که باید این پیشنهاد را بپذیرند و در برابر آن پاسخ مثبت دهند. این آیه تأکید می‌کند که وقتی دشمن تمایل به صلح نشان می‌دهد، مسلمانان باید از هرگونه خشونت و درگیری خودداری کنند و صلح را بپذیرند.

همچنین در جای دیگر به پیامبر اسلام^(ص) دستور می‌دهند که اگر دشمنان تمایل به صلح نشان دهند، تو باید با گشودن بال‌های خود، پذیرای صلح باشی و پیشنهاد آن‌ها را بپذیری: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی؛ و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست». (انفال: ۶۱) وقتی این آیه قبل از شروع جنگ بد نازل شد، رسول خدا^(ص) شخصی را نزد قریش فرستاد و پیام داد که من میل آغاز جنگ ندارم و... عتبه (این پیشنهاد را پسندید و) گفت: هر قومی که چنین پیشنهادی را رد کنند رستگار نمی‌شود؛ اما ابوجهل او را با طعنه و استهزا وادار کرد تا با برادر و پسرش وارد میدان جنگ شد. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹: ۳۲-۳۳)

این آیه مسلمانان را به پذیرش صلح و سازش با دشمنان دعوت می‌کند و نشان می‌دهد که اگر طرف مقابل، تمایل به صلح دارد، مسلمانان باید به آن پاسخ مثبت دهند و در جهت حفظ صلح و آرامش گام بردارند. این دستور قرآن، یک دعوت جهانی برای حل اختلافات از طریق گفتگو، تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز است. استفاده قرآن از کلمه «فَاجْنَحْ» در این آیه که به معنای استقبال و پذیرش پیشنهاد است، بیانگر اهمیت بالای صلح‌طلبی و آمادگی برای گفتگو با دشمنان است. این کلمه به‌وضوح نشان می‌دهد که پذیرش پیشنهاد صلح نباید به‌عنوان یک عمل منفعلانه، بلکه به‌عنوان اقدامی فعال و حکیمانه از سوی مسلمانان تلقی شود؛ زیرا قرآن کریم در این آیه، صلح‌طلبی را نه تنها به‌عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک اصل استراتژیک برای حفظ آرامش و امنیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان مطرح

۱. إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءَكُمْ حَصْرَتٌ صُدُّوهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا؛ مگر آن‌ها که با هم‌پیمانان شما، پیمان بسته‌اند؛ یا آن‌ها که به‌سوی شما می‌آیند و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند و نه توانایی مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید. (نساء: ۹۰)



می‌کند. بنابراین مسلمانان و حکومت اسلامی موظفند که هرگاه دشمن تمایل به صلح نشان داد، از گفت‌وگو و برقراری ارتباط صلح‌آمیز استقبال کنند. این دستور نه تنها بر اساس اصول اخلاقی بلکه بر اساس نیاز به ایجاد ثبات و جلوگیری از درگیری‌های بی‌نتیجه است. کنید.

۴-۲. بهتر دانستن صلح و اصلاح

«وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء: ۱۲۸) که به نظر برخی مفسرین «تخصیص بعد از تعمیم است و مراد از اصلاح بین الناس، مصالحه کردن و صلح انداختن میان مردم است برای رفع نزاع و خصومت از میان آنان. این آیات دلالت می‌کند که فضیلت صلح، از توابع دین است؛ زیرا ذکر صلح در آیه وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ، در مقام مدح واقع شده است. اینکه صلح در این آیات، به صورت مطلق آمده، بر صحت و خیریت مطلق صلح دلالت کند. خواه این صلح با اقرار باشد و خواه با انکار، خواه مصالح علیه معلوم باشد و خواه مجهول، خواه عین باشد و خواه دین و خواه منفعت و خواه غیر آن». (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ۲: ۱۶۹)

آیه «وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ» یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی قرآن را در بردارد که به برتری صلح و اصلاح در میان انسان‌ها تأکید دارد. در این آیه، خداوند متعال صلح را به عنوان راهی بهتر و پسندیده‌تر در برابر دشمنی‌ها و اختلافات معرفی می‌کند. برخلاف برخی تبلیغات منفی و اسلام‌هراسان که دین اسلام را دینی خشن و خون‌ریز نشان می‌دهند، قرآن کریم به وضوح می‌فرماید که صلح نه تنها مطلوب است، بلکه در بسیاری از مواقع، انتخابی بهتر و سازنده‌تر نسبت به جنگ و نزاع است. بر اساس آموزه‌های قرآن، هر مسلمانی که زندگی خود را بر مبنای اصول قرآن قرار داده باشد، باید طرفدار صلح و آرامش باشد، نه جنگ و خشونت. این یک آموزه اساسی است که مسلمانان را به دوری از دشمنی‌ها و تلاش برای اصلاح روابط میان خود و دیگران فرا می‌خواند. جنگ و خشونت در اسلام تنها در شرایط بسیار خاص و دفاع از خود یا دفاع از حق مشروع، مجاز شمرده شده است، نه به عنوان یک گزینه پیش فرض یا پسندیده.

۵. قرآن و روحیه تعامل با مردم

قرآن کریم به تعامل با مردم بر اساس اصول اخلاقی و انسانی تأکید فراوان دارد و مسلمانان را به حسن رفتار، احسان، مدارا و بخشش دعوت می‌کند و آن‌ها را از خشونت و دشمنی

پرهیز می‌دهد. قرآن به مسلمانان می‌آموزد که در تعامل با دیگران، حتی با دشمنان، باید با نیکویی برخورد کنند و همواره در جستجوی راه‌های صلح‌آمیز و محبت‌آمیز باشند. برخی از مصادیق این رویکرد به همزیستی مسالمت‌آمیز را در ادامه بررسی می‌کنیم:

۵-۱. خوش خلقی با مردم

خداوند پس از میثاق یکتاپرستی و احسان به والدین، خویشاوندان، ایتم و مساکین^۱ که از آموزه‌های الهی و اجتماعی مهم است، انسان‌ها را به میثاق با مردم چنین فرامی‌خواند: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» و با مردم به نیکویی سخن بگویید». (بقره: ۸۳) یعنی «پس از کانون‌های عبادت خداوند و احسان به خانواده با شعاع وسیع‌تری، باید خیر و صلاح انسان به دیگران نیز رسد... با گسترش احسان، می‌توان محیط زمین را مدرسه تعلیم عمومی درک خیر و صلاح و عمل به آن گرداند». (طالقانی، ۱۳۶۲، ۱: ۲۱۶) این یعنی نهایت اهتمام قرآن به تعامل نیک با مردم و تقویت روحیه جمعی و ارتقای سطح همزیستی. این آیه تنها یک توصیه ساده نیست، بلکه یک دستورالعمل اخلاقی است که به تمامی مخاطبان قرآن، برای برقراری روابطی محترمانه و سازنده با دیگران داده شده است. این دستور به انسان‌ها یادآوری می‌کند که بر اساس آموزه‌های اسلامی، مهم نیست که فرد در کدام گروه اجتماعی یا دینی قرار دارد؛ هر انسان شایسته احترام و محبت است.

گفتار نیکو در حقیقت پل ارتباطی میان افراد است و می‌تواند زمینه‌ساز فهم متقابل، کاهش سوءتفاهم‌ها و گسترش همدلی باشد. کسانی که قرآن را محور زندگی خود قرار داده‌اند، باید همیشه تلاش کنند تا کلماتشان آرام‌بخش و محبت‌آمیز باشد. این رفتار باعث جذب توجه دیگران، به‌ویژه غیرمسلمانان، به دین اسلام می‌شود؛ زیرا انسان‌ها به دینی که پیروان آن با آرامش و نرمی برخورد می‌کنند، احترام می‌گذارند.

۵-۲. نفی نژادپرستی

یکی از آموزه‌های قرآن کریم برای گسترش روابط حسنه و تقویت همدلی و همزیستی اجتماعی، نفی نژادگرایی و پرهیز دادن از امتیازات و افتخارات نژادی و قومی و معرفی

۱. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ. (بقره: ۸۳)



صفت شایسته و معیار برتری معنوی است. چنان‌که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شما است.» (حجرات: ۱۳)

این آیه بیان می‌کند که تمامی انسان‌ها، منبع آفرینش واحد دارند و ظواهر نژادی و قومی و...، هرگز برای کسی امتیاز محسوب نمی‌شود. معیار برتری، فقط تقوا است. نکته بسیار ارزنده و ظریفی حتی در همین امتیاز نیز نهفته است و آن «اکرمکم عندالله» است؛ یعنی کسی حق ندارد خود را با تقوا معرفی کند تا ادعای برتری داشته باشد. حتی همین وسیله امتیاز هم فقط در نزد خداوند، وسیله امتیاز است نه در میان مردم. نکته دیگر در کلمه «لِتَعَارَفُوا» است؛ «یعنی من شما را این‌گونه قرار دادم که یکدیگر را بشناسید و نسب و قوم و خویش و پدران یکدیگر را بدانید. اگر این‌طور نبود داد و ستدها فاسد و دنیا و زندگی شما خراب می‌شد.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۳: ۲۲۴) بنابراین شناخت لازم از یکدیگر به نظر قرآن کریم، می‌تواند بهترین وسیله تعامل نیک بینا انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز باشد. این احترام به انسانیت و تداوم زندگی مسالمت‌آمیز بر اساس عدالت و مساوات و برابری.

۵-۳. همکاری در امور خیر

اقتضای زیست‌گروهی و جمعی، کمک به همدیگر برای رفع نیازهای و پیشرفت و ترقی و مدنیت است. بر همین اساس قرآن کریم هر نوع همکاری بینا انسانی را نمی‌پسندد، بلکه فقط همکاری و تعاون در کارهای خیر مورد سفارش است. چنان‌که می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ در راه نیکی و تقوا با یکدیگر همکاری کنید نه در راه دشمنی و گناه.» (مائده: ۲) این آیه بر اهمیت همکاری و همیاری در امور خیر و کارهای نیکو تأکید دارد. قرآن، تمامی انسان‌ها را به هم‌افزایی در انجام کارهای خیر و بهبود وضعیت جامعه دعوت می‌کند. این نیکی یا «البر» معنای عامی دارد و همه نیکی‌های موردپذیرش جوامع انسانی را شامل می‌شود. چنان‌که اثم و عدوان هم عام است و شامل عدم همکاری در تمام انواع دشمنی و گناه می‌شود. (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۷، ۲: ۳۳)



همکاری در کارهای خیر، بر اساس آموزه‌های قرآن، تکلیفی بر دوش مسلمانان است. در شرایطی که جامعه در مشکلات اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی قرار گیرد، تمام مسلمانان موظفند که از هیچ کمکی به افراد آن جامعه، دریغ نورزند. برای مثال، اگر در جامعه‌ای مشاهده شود که یک منطقه فاقد مدرسه، مسجد یا مراکز درمانی است، باید همه افراد جامعه با هم همکاری کنند تا این مشکلات برطرف شود. مسئولان جامعه نیز باید در اولویت‌بندی مشکلات مردم، به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی اهمیت دهند و در راستای ایجاد شرایط بهتر برای مردم تلاش کنند.

۴-۵. رفع اختلافات

ممکن است در زندگی جمعی گاهی عواملی برای ایجاد اختلاف نیز پیدا شود. بینش قرآن کریم این است که اگر به هر دلیلی اختلافی در جامعه ایجاد شد، هرگز تماشاگر نباشید، بلکه برای رفع آن اقدام کنید. قرآن می‌فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ و میان خودتان را اصلاح کنید». (انفال: ۱) از آیات ابتدایی سوره انفال برمی‌آید که میان مسلمانان درباره مالکیت و نحوه تقسیم غنائم جنگی در ماجرای جنگ بدر، اختلاف نظر پیش آمده بود. برخی معتقد بودند که غنائم باید میان افراد حاضر در میدان جنگ به صورت مساوی تقسیم شود، درحالی‌که دیگران پیشنهاد می‌دادند که سهم اسب‌سواران بیشتر از پیادگان باشد. خداوند همین مقدار اختلاف را نیز برنتابید؛ زیرا صفا و معنویت و همزیستی مسلمانان را تهدید می‌کرد. لذا در بخشی از آیه، دستور می‌دهد: «و میان خودتان را اصلاح کنید». (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۷: ۲۲۶)

۵-۵. ایجاد الفت و صمیمیت

یکی دیگر از مفاهیمی که قرآن بر آن تأکید دارد، تألیف قلوب است. خداوند به قدرت خود در ایجاد محبت و همدلی میان انسان‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ این نعمت بزرگ خدا را به خاطر داشته باشید که شما با هم دشمن بودید او در میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و در پرتو نعمتش برادر یکدیگر شدید». (آل عمران: ۱۰۳) این آیه بیانگر آن است که محبت و الفت میان دل‌ها، نعمتی الهی است که بدون آن زندگی اجتماعی انسان‌ها دچار آشفتگی



خواهد شد. بعضی از مفسران آیه فوق را تنها اشاره به اختلافات میان قبایل «اوس و خزرج» دانسته‌اند که از انصار بودند، ولی با توجه به این که مهاجران و انصار هر دو در یک صف به یاری پیغمبر اکرم (ص) برخاسته بودند، روشن می‌شود که مفهوم آیه، وسیع است و هر گونه اختلاف و شکاف اجتماعی میان طبقه فقیر و غنی، کوچک و بزرگ، این قبیله و آن قبیله را شامل می‌شود؛ شکاف‌هایی که در سایه اسلام پر شد. (آل عمران ۱۰۳) لذا تمسک به قرآن کریم و آموزه‌های ارزشمند اسلام، برای هر زمان و مکانی کارساز، راهنما و راهگشا است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۷: ۲۳۳-۲۳۴)

۶. نگاه عملی اسلام به همزیستی

در نگاه اسلام، روابط انسانی، برخورد عادلانه و مهربانانه با همه، حتی با کسانی که از نظر دینی با مسلمانان اختلاف دارند، از اصول بنیادین است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ خدا شما را از نیکی ورزیدن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد». (ممتحنه: ۸) به این معنا که خداوند مسلمانان را از رفتار بد و ظلم به کسانی که در جنگ و دشمنی با آنها نیستند، نهی کرده و توصیه می‌کند که با آنها به نیکی رفتار کنند و در حقشان انصاف را رعایت نمایند. «این آیه یکی از شواهد محکمی است بر اینکه اسلام به راستی دین صلح است و به خودی خود مردم را دعوت به جنگ و دشمنی نمی‌کند، بلکه دعوتش برای بیزاری جستن و پیکار علیه کافرانی است که با اسلام می‌جنگند و مبتنی بر موضع‌گیری منفی و معارض آنان بر ضد دین و پیروان آن است». (مدرسی، ۱۳۷۷، ۱۵: ۳۵۰)

این آموزه‌ها به مسلمانان کمک می‌کند تا همزیستی مسالمت‌آمیز را با دیگر افراد جامعه، فارغ از دین، نژاد و قومیت برقرار کنند. اسلام بر اصل مدارا و پذیرش تفاوت‌ها تأکید دارد و از مسلمانان می‌خواهد که با کسانی که در جنگ یا دشمنی با آنها نیستند، ارتباطی بر اساس احترام و انصاف داشته باشند. این رویکرد نشان‌دهنده روحیه صلح‌طلبی و عدم خشونت اسلام است. یکی از راه‌های تحقق جامعه سالم و متحد در دنیای امروز، پیروی از این اصول قرآنی است که همزیستی مسالمت‌آمیز را در درون جوامع اسلامی و غیراسلامی



فراهم می‌آورد. بنابراین اسلام نه تنها به مسلمانان توصیه می‌کند که با دوستان و هم‌کیشان خود به خوبی رفتار کنند، بلکه از آن‌ها می‌خواهد که حتی با کسانی که در موقعیت‌های مخالف با آن‌ها هستند، رفتار انسانی و شایسته داشته باشند.

۷. اهمیت زندگی مسالمت‌آمیز در دنیای معاصر

یکی از راه‌های تحقق جامعه سالم و متحد در دنیای امروز، پیروی از اصول قرآنی است که همزیستی مسالمت‌آمیز را در درون جوامع فراهم می‌آورد. آیه شریفه «ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸) دعوتی به پذیرش کامل صلح و آرامش در تمامی ابعاد زندگی است. این پیام قرآن در دنیای پر از تنش‌ها، اختلافات سیاسی، مذهبی و قومی معاصر، بسیار حائز اهمیت است. در حالی که سراسر جهان شاهد جنگ‌ها، بحران‌ها و درگیری‌های متعدد است، اصول قرآن می‌تواند راهگشای تحقق صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز باشد. با توجه به وضعیت کنونی جهان که هر روز شاهد افزایش اختلافات میان ملت‌ها و جوامع مختلف هستیم، پیروی از تعالیم قرآنی می‌تواند راهی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد روابطی عادلانه و محترمانه میان ملت‌ها باشد.

اگر جوامع بشری و به ویژه مسلمانان به اصول قرآن در خصوص صلح و سلم، احترام به حقوق دیگران و جلوگیری از خشونت عمل کنند، بسیاری از بحران‌ها و مشکلات اجتماعی و سیاسی حل خواهد شد. در دنیای معاصر که هر روز تهدیدات جدیدی مانند جنگ‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی وجود دارد، ایجاد فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه امری ضروری است. این امر نه تنها به نفع فرد و جامعه است، بلکه به پیشرفت و توسعه پایدار بشریت کمک خواهد کرد. پذیرش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌تواند راهی برای تحقق جهانی عادلانه و امن باشد.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم بهترین محور برای همزیستی مسالمت‌آمیز و آموزه‌های این کتاب آسمانی بهترین راهنما برای رسیدن به زندگی همراه با صلح و تعامل و همگرایی است. آیات فراوانی بر گفتار نرم، مدارا، حسن رفتار و صلح و همزیستی تأکید دارد. واژه‌هایی مانند صلح،



اصلاح، تألیف قلوب و سلم، بارها در قرآن کریم تکرار شده و این نشان‌دهنده اهمیت فراوان این مفاهیم در آموزه‌های اسلامی است. دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز با توجه به اصول مشترک، استقبال از پیشنهاد صلح و اهمیت دادن به همدلی، از اصول اساسی قرآن کریم است. چنانکه استقبال از پیشنهاد صلح به‌عنوان یک اصل اساسی در روابط مسلمانان با دشمنان مطرح شده است. این اصل بر اساس قیاس اولویت، ثابت می‌کند که زندگی مسالمت‌آمیز، بین مسلمانان که مدعی پیروی از قرآن کریم هستند، بسیار ساده‌تر و عمیق‌تر باید باشد. اتحاد و اعتصام به حبیل‌الله از دستورات جدی قرآن کریم برای همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز است. دعوت به گفتگو و حتی رعایت احترام دشمن هم از آداب گفتگویی است که قرآن سفارش می‌کند. چنانکه خداوند حضرت موسی و حضرت هارون برای گفتگو با فرعون با همین سفارش فرستاد و این درس بزرگی برای تمامی پیروان قرآن کریم است. برای روشن شدن حقیقت، اگر نیازی به جدل شد، باز قرآن سفارش می‌کند از منهج اعتدال خارج نشوید و گفتگو را به شیوه جدال احسن ادامه بدهید. این یعنی نهایت احترام به فرد یا گروه مقابل در حین گفتگو که نشان می‌دهد قرآن به زیست جمعی همراه را با همدلی و مهربانی اهمیت فوق‌العاده قائل است؛ امری که از نیازهای شدید جوامع انسانی معاصر، به خصوص جوامع اسلامی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، (تحقیق: مهدی لاجوردی)، تهران: نشر جهان.
۲. تیموری، فاطمه؛ فرهمند، مهناز؛ امیرمحمدی، ضیاء، (۱۳۹۷)، «حسن هم‌جواری و همزیستی اجتماعی-اخلاقی مسلمانان با زرتشتیان»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، پاییز، شماره ۳، ص ۲۲ - ۳۰.
۳. جعفری، علی‌اکبر؛ پاینده، عظیمه، (۱۳۹۵)، «نقش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بازآفرینی حرکت احیای گرائه اسلامی با تکیه بر نظرات امام خمینی»، ژرفاپژوه، سال سوم، تابستان و پاییز، شماره ۸-۹، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۴. حسکانی عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، (تحقیق: محمد باقر محمودی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۵. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، (۱۴۰۴ ق)، آیات الأحکام، (تحقیق: ولی‌الله اشراقی سرابی)، تهران: انتشارات نوید.
۶. حسینی همدانی، سید محمدحسین، (۱۴۰۴ ق)؛ تفسیر انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۷. طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، (مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، (تحقیق: با مقدمه آیت‌الله واعظ زاده خراسانی، ترجمه: جمعی از مترجمان)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.



۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، (تحقیق: رضا ستوده، ترجمه: جمعی از مترجمان)، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی، (تحقیق: محمدکاظم محمودی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۲. مدرسی، سید محمدتقی، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، (ترجمه: جمعی از مترجمان)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار ۲، تهران: نشر صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، مجموعه آثار ۲۰، تهران: نشر صدرا.
۱۵. معاش، مرتضی، «آیین همزیستی و روش تفاهم با دیگران»، وبسایت مرکز مطالعات راهبردی. (دسترسی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹) <https://annabaa.org/arabic/persian> ۱۶۸۵
۱۶. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادنا.
۱۷. مکارم شیرازی ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۸. موحدی ساروجی، محمدحسن، (۱۳۹۳)، «همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها از دیدگاه قرآن و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر دانشگاه مفید، سال نهم، بهار و زمستان، شماره ۱۷ _ ۱۸، ص ۱۳۱-۱۵۸.
۱۹. میرزایی، حسین؛ آقایی هیر، توکل؛ حیدرنژاد، خاطره؛ فتحی، لاله، (۱۳۹۵)، «سرمایه اجتماعی و همزیستی اجتماعی؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی شهر تبریز ۱۳۹۰»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، شماره ۲۷، ص ۱۳۱ _ ۱۴۸.
۲۰. هاشمی، سید جلال؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر، صفایی مقدم، مسعود؛ سپاسی، حسین؛ مهرعلیزاده، یدالله، (۱۳۸۹)، «تعلیم و تربیت در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه: بررسی هدفی تربیتی»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار، دوره ششم، سال ۱۷-۲، شماره ۱، ص ۳_۳.

